ماهیت و عملکرد رژیم شاه

بهروز طیرانی — **بخش یازدهم**

خاصه‌خرجی‌ها

بخش مهمی از خاصه‌خرجی‌های شاه را می‌باید در میان پرونده‌های ساواک درباره شخصیت‌های کشوری و لشکری جستجو کرد که یک نمونه‌اش ذکر شد و اینک ادامه مطلب:

«جناب آقای علم... جهت پرداخت دیون والاحضرت شمس پهلوی به مبلغ پانصدهزار دلار ارز احتیاج است. والاحضرت معظم مقرر فرمودند مراتب را به استحضار خاطر شریف برسانم» (مرکز بررسی اسنادتاریخی، ۱۳۸۵ـ شمس پهلوی۴: ۱۶۵) این درخواست سه روز بعد به تاریخ ۱۳۵۱/۱۰/۱۲ عملی شد و یک برگ حواله ارزی به مبلغ مزبور به دفتر شمس پهلوی ارسال گردید.» (همان منبع: ۱۶۷)

به: ساواک تاریخ: ۳۵/۲/۱۳ (۱۳۵۵)

از: ژاندارمری کشور

«گزارش واصله حاکی است: شخصی به نام هژبر یزدانی (صندوقدار و خزانه‌دار فرقه بهایی) چند سال قبل مبلغ ۳/۵ میلیون ریال... از وزارت کشاورزی وام دریافت و چون قادر به بازپرداخت نبوده، منجر به صدور احضاریه گردیده؛ ولی آقای مهندس روحانی (وزیر کشاورزی فعلی) مبلغ ۸۳۰ میلیون ریال وام به نامبرده پرداخت و علاوه بر آن، هزاران هکتار زمین (از مراتع تصرفی دولت از مردم واقع در اطراف ساوه و اردستان) نیز در اختیار نامبرده گذارده شده و نیز اجازه حفر چاه در این مناطق به ایشان داده شده است.» (مرکز بررسی اسناد تاریخی، هژبر یزدانی ۱۳۸۴: ۱۰۳)

پرداخت‌های غیرمستقیم (رانت):

نمونه‌های بالا از نوع پرداخت مستقیم و تقبل هزینه‌های اطرافیان از سوی حکومت بود. ضرر این نوع خاصه‌بخشی‌ها کمتر از آسیب‌هایی بود که نوع دوم، یعنی بازگذاشتن دست اطرافیان برای مداخله در امور گوناگون سیاسی، فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی در پی دارد. در نوع دوم افراد و اطرافیان با حضور در عرصه‌های مختلف اجرایی به‌ویژه در مورد خارجی‌ها، با دلالی و دریافت پورسانت و رشوه، درآمدهای نامشروعی برای خود منظور می‌دارند که طبیعتاً بر هزینه خرید کالا یا طرحهای اجرایی اضافه می‌شود و در نتیجه مردم و کشور بهای بیشتری بابت آن باید بپردازند. از سوی دیگر حضور این دلال‌ها و واسطه‌ها در قراردادهای داخلی و خارجی، منجر به خریدهای غیرضروری یا نامرغوب و به‌کارگیری مجریان نالایق و سپردن کار به افراد فاقد صلاحیت می‌شود که صدمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد می‌آورد و ثروت کشور را به باد می‌دهد.

بنا به گزارش ناقص و کوتاه سفارت آمریکا در تهران، هر یک از شرکت‌های بزرگ و یا دلالان خارجی در تهران برای فروش محصولات خود و یا واگذاری طرحهای عمرانی و... نمایندگان غیر رسمی در تهران داشتند. بنا به آن گزارش: «شرکت‌های بزرگ و سرشناس آمریکایی که تا آن اندازه که سفارت اطلاع دارد، نفوذ اشخاصی را که با آن ذکر شده است، خریداری می‌کنند، به شرح زیر هستند. این فهرست تمام آنها را در بر نمی‌گیرد: جنرال‌الکتریک، ابوالفتح محوی. شرکت نورث تروپ، ابوالفتح محوی. بوئینگ ایرکرافت، محوی. سیتی سرویس، خسرو اقبال ـ مک دانلد داگلاس، ابوالفتح محوی. شرکت رادیویی آمریکا، رضا رزم‌آرا ـ نیل پرایس، شاپور ریپورتر...» (دانشجویان پیرو خط امام ـ ج۱۷ـ۱۳۶۱: سند ۱۱)

ابوالفتح محوی که در گزارش بالا چند بار از وی نام برده شد، یکی از مهمترین دلالان و واسطه‌های خارجی در ایران بود که از محل معاملات با شرکت‌های خارجی، سودهای کلانی برای خود کسب می‌کرد. وی در بیان خاطراتش درباره رشوه‌گیری اطرافیان شاه از شرکت‌های خارجی و نیز تقدیم بخشی از این‌گونه درآمدها به شاه و درباریان می‌گوید: «... مبلغ کل این پروژه، چیزی در حدود ده‌میلیون دلار بود که اعتبار آن را از بانک‌های سوئیس تأمین کرده بودم. در خطوط لولهٔ جنوب به تهران که رشیدیان آن را به اتفاق پیمانکار انگلیسی در دست داشت، با شاهدخت اشرف شریک بود؛ لذا تا اشرف ۲۵۰هزار دلار از من قول نگرفت، اجازه نداد به برندهٔ مناقصه که گروه من به نام «سیمون» بود، داده شود. والاحضرت که یک برلیان صورتی از هری وینستون ژنو ـ جواهرفروش بین‌المللی ـ به مبلغ ۲۵۰هزار دلار خریداری کرده بود، توسط عَلَم به من دستور داد که این مبلغ را به هری وینستون بپردازم و جواهر را گرفته به تهران آورده، تقدیم ایشان کنم.» (لاجوردی تاریخ شفاهی، بی‌تا).

محوی که از نزدیکان اسدالله علم و به نوشته وی مورد وثوق و اطمینان شاه بود، درباره دریافت پورسانت توسط فاطمه پهلوی از شرکت نفتی استاندارد اویل و آبروریزی در این باره می‌گوید: «از قرار معلوم والاحضرت فاطمه که در معیت شاه به آمریکا رفته بود، مبلغ ۲۵۰هزار دلار بابت سرویس‌های داده شده از استانداردااویل دریافت داشته بود و کمپانی نفتی مزبور هم این وجه را جزء هزینه‌های روابط‌عمومی منظور کرده بود و چون جان کندی رئیس‌جمهوری آمریکا از این مطلب اطلاع یافت، شاه را سرزنش کرد که: وقتی خواهرت در معیت تو در سفر به آمریکا از شرکت استانداردااویل پول می‌گیرد، تکلیف دیگران روشن است! در اینجا بود که شاه به‌کندی قول داد با فساد مبارزه خواهد کرد. به عبارت ساده‌تر، پنج درصد نفتی که قرار بود ایرانی‌ها بگیرند، به نفع آمریکایی‌ها تمام شد!» (لاجوردی، منبع پیشین).

دریافت پورسانت از شرکت‌های طرف قرارداد با ایران، امری رایج به‌شمار می‌رفت. این امر به‌ویژه در دو بخش قراردادهای مربوط به نفت و خرید تجهیزات نظامی که از نظر تعداد و نیز حجم قراردادها بیش از سایر حوزه‌ها بود، چشمگیرتر و افرادی هم که در این زمینه‌ها حضور داشتند، قاعدتاً از این راه منافع بیشتری را به خود اختصاص می‌دادند. یکی از کسانی که در عرصه نفت و قراردادهای نفتی حضور فعال داشت، دکتر رضا فلاح ـ قائم‌مقام رئیس هیأت مدیره شرکت نفت و مسئول روابط بین‌المللی و بازاریابی شرکت نفت ـ بود. علی‌نقی عالیخانی در پانوشت یادداشت‌های علم، او را فردی مخالف اوپک و طرفدار شرکت‌های بزرگ نفتی معرفی می‌کند! (علم، سال ۴۹: ۱۹۳).

دکتر رضا فلاح که در حقیقت یکی از سه مدیر ارشد نفتی کشور در کنار دکتر اقبال (رئیس شرکت نفت) و آموزگار (نماینده ایران در اوپک) محسوب می‌شد، مستقیماً با شخص شاه مرتبط بود و نفر اول ایران در زمینه فروش نفت به شمار می‌رفت. وی از همین محل و در کنار رانت اصلی از قراردادهای نفتی (اعم از فروش یا طرح‌های نفتی) که نصیب شاه می‌شد، درآمدهای هنگفتی کسب کرد. ابوالفتح محوی که خود در بسیاری از قراردادها از جمله واسطه‌ها بود، در باره نقش و جایگاه دکتر فلاح و نیز ثروت وی می‌گوید: «در صنعت نفت، فلاح بی‌رقیب بود و از این راه ثروت سرشاری به دست آورد. شاه بر کارهای فلاح واقف بود، ولی کمتر به روی خود می‌آورد؛ زیرا به وجودش نیاز مبرم داشت. روزی شاه به من دستور داد به رضا فلاح بگویم اعلیحضرت می‌دانند که تو هشتاد میلیون دلار ثروت داری و می‌گویند: «دیگر بس است، حیا کن!» مطلب را به دکتر رضا فلاح گفتم و او خنده سر داد و گفت: «اولاً خلاف به عرض شاه رسانده‌اند، اگر مدرکی از من پیدا کردید، قطعه‌قطعه‌ام کنید. ثانیاً ثروت آبی است زلال و شور. هر چه بیشتر بنوشی، تشنه‌تر می‌شود!» (لاجوردی، منبع پیشین).

البته نفوذ فراوان دکتر فلاح در عرصه نفت و امور مربوط به نفت، به معنی بی‌رقیب بودن او در این زمینه نبود و برخی معاملات و طرح‌ها نیز به دیگران اختصاص می‌یافت. به‌عنوان نمونه در جریان عقد قرارداد برای احداث پالایشگاه اصفهان مقدار زیادی از محل افزایش مبلغ قرارداد رشوه پرداخت شد. به گفته محوی:

«پالایشگاه بوشهر به جای نرسید، ولی تیسن قرارداد پالایشگاه اصفهان را با حقه‌بازی و تقلب و زدوبند با مدیران شرکت ملی نفت، به‌خصوص متصدیان ادارهٔ ساختمان پالایشگاه‌ها به‌اتفاق شریک آمریکایی خودش، فلور، امضا کرد.... آنان از موقع استفاده کرده، بهای پالایشگاه را از سیصدمیلیون دلار به ششصدمیلیون دلار و بالاخره به یک‌هزار و دویست میلیون دلار ترقی دادند. متعاقب آن، شرکت‌های «فلور ـ تیسن» و «رالف پارسن جوردن» نیز از شرکت ملی نفت سه‌هزار میلیون دلار کار گرفتند و تا زمان انقلاب، از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۷۸ چهارهزار میلیون دلار نقد با شرکت ملی نفت معامله کردند.» (لاجوردی، همان)

ادامه دارد

امید و عشق

محمد صادقی

نگاهی به زندگینامه خودنوشت مارتین‌لوتر کینگ

مارتین‌لوتر کینگ در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۲۹ در شهر آتلانتا (ایالت جورجیا) به دنیا آمد. سپتامبر ۱۹۴۴ وارد کالج مورهاوس می‌شود و سال ۱۹۴۸ از آن کالج لیسانس جامعه‌شناسی را دریافت می‌کند. وقتی به کالج می‌رود، «عدالت نژادی و اقتصادی» مهمترین دغدغه‌هایش بودند و در فضای آزاد کالج فرصت بیشتری برای مطالعه، بحث و گفتگو درباره آنها می‌یابد. در همان دوره است که او با اندیشه‌های «هنری دیوید ثورو» و همچنین اندیشه «عدم‌خشونت» آشنایی پیدا می‌کند. سپس در سپتامبر ۱۹۴۸ راهی حوزه علمیه کروزر می‌شود و پس از پایان تحصیل در ۱۹۵۵، از دانشگاه بوستون نیز دکتری الهیات دریافت می‌کند. در بهار ۱۹۵۰ و در فیلادلفیا دکتر موردکای جانسن که تازه از هند برگشته بود، در سخنرانی خود به زندگی و آموزه‌های گاندی می‌پردازد و سخنان جذاب و تکان‌دهنده‌اش موجب می‌شود که مارتین‌لوتر کینگ کنجکاو شود و به سراغ کتاب‌هایی درباره زندگی گاندی برود:

«من مثل بیشتر مردم اسم گاندی را شنیده بودم، اما هرگز آثارش را جدی مطالعه نکرده بودم. وقتی خواندم، عمیقا تحت‌تأثیر مبارزات بی‌خشونت او قرار گرفتم... وقتی در فلسفه گاندی عمیق‌تر شدم، تردیدم در مورد نیروی محبت از بین رفت و برای اولین بار متوجه قدرت آن در حوزه اصلاحات اجتماعی شدم... آن رضایت فکری و اخلاقیی را که نتوانسته بودم از فایده‌باوری بنتام و میل، از روشهای انقلابی مارکس و لنین، از نظریه قرارداد اجتماعی هابز، از "بازگشت به طبیعت" خوش‌بینانهٔ روسو و از "فلسفهٔ ابرمرد" نیچه کسب کنم، در فلسفه مقاومت بی‌خشونت گاندی یافتم.»

کینگ پس از پایان تحصیلات در دانشگاه بوستون، از چندین کلیسا و دانشگاه معتبر پیشنهاد کار دریافت می‌کند (حتی پیشنهاد ریاست دانشکده هم در میان آنها بود)؛ نامه‌ای نیز از کلیسای تعمیدی دکستر در مونتگمری برایش ارسال می‌شود. کلیسایی که کشیش نداشت، از او می‌خواهد در جایگاه کشیش در آنجا اقامت گزینند. او و کُورتا (همسرش) در ایالت‌های شمالی که سخت‌گیری درباره سیاه‌پوستان کمتر بود، می‌توانستند زندگی بهتری داشته باشند؛ کورتا می‌توانست در کار هنری بیشتر بدرخشد، او نیز می‌توانست در کار علمی رشد بیشتری داشته باشد و به طور کلی می‌توانستند زندگی فرهنگی شاداب‌تری داشته باشند؛ اما آنها خدمت در ایالتی جنوبی را برای چند سال ترجیح می‌دهند. او می‌گوید: «هرگز دوست نداشتیم تماشاچیانی بی‌توجه باشیم. از آنجا که تبعیض نژادی بیش از هر جای دیگری در جنوب شدت داشت، احساس می‌کردیم بعضی از سیاه‌پوستانی که قسمتی از تحصیلات خود را در بخشهای دیگر کشور انجام داده بودند، می‌بایست بازگردند و تجارب تحصیلی و ارتباطات وسیعتر خود را با دیگران به اشتراک بگذارند.»

مارتین‌لوتر کینگ در ۱۹۵۴ از آتلانتا به مونتگمری (ایالت آلاباما) می‌رود و سپس در کلیسای دکستر مشغول به کار می‌شود تا اینکه در ابتدای دسامبر ۱۹۵۵ رُزا پارکس از دادن صندلی خود در اتوبوسی به یک سفیدپوست، خودداری می‌کند و بازداشت می‌شود. سپس اعتراض‌هایی شکل می‌گیرد، مارتین‌لوتر کینگ برای هدایت اعتراض‌ها برگزیده و بایکوت اتوبوس‌ها آغاز می‌شود. در پی این اقدام، به‌تدریج جنبش مدنی سیاه‌پوستان آمریکا با تکیه بر عدم‌خشونت اوج می‌گیرد و مارتین‌لوتر کینگ بر پایهٔ اندیشه‌های گاندی و مبارزه برای انسان‌بودن (و نه پیروزی بر دیگران، بلکه برای پیروزی همگان) به سازماندهی اعتراض‌ها می‌پردازد.

پس از اقدام رُزا پارکس و آغاز جنبش حقوق مدنی سیاه‌پوستان در شهر مونتگمری، عده‌ای از شهروندان سفیدپوست نیز به یاری سیاه‌پوستان آمدند؛ زیرا مارتین‌لوتر کینگ از پیروزی و غلبه بر سفیدپوستان حرف نمی‌زد، بلکه به پیروزی و خوشبختی همگان می‌اندیشید. در کتاب «زندگی‌نامه خودنوشت مارتین‌لوتر کینگ» با ویراستاری کلیبورن کارسن و ترجمه محمدرضا معمارصادقی (نشر کرگدن، ۱۴۰۰) می‌خوانیم، او می‌گفت: «هدف ما نباید هرگز شکست‌دادن یا تحقیر سفیدپوستان، بلکه باید به‌دست آوردن دوستی و درک آنان باشد. باید متوجه باشیم هدفی که به دنبال آنیم، جامعه‌ای است که با خود در صلح است؛ جامعه‌ای که می‌تواند با وجدان خود زندگی کند.» در جریان مبارزه نیز وقتی اعتراض‌ها افزایش یافت، مخالفان با دستگیری‌های گسترده کوشیدند تا ترس و وحشت را حاکم کنند؛ اما کینگ با تکیه بر روش گاندی، شکل تازه و محکم‌تری به مقاومت بخشید که راهگشا بود.

به نظر او «اعتقاد به عدم‌خشونت به این معنی نیست که قربانی خشونت نخواهی شد. فرد معتقد به عدم‌خشونت، شخصی است که داوطلبانه اجازه می‌دهد قربانی خشونت باشد، اما هرگز به دیگران خشونت نمی‌ورزد.» در جریان جنبش حقوق مدنی که از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۸ در جریان بود، سیاه‌پوستان زیر فشار زیادی قرار گرفتند؛ به آنها توهین شد، در خانه‌شان بمب دستی انداختند و... اما کینگ که با اندیشه و روش گاندی آشنا بود و از او الهام می‌گرفت، اجازه نداد مبارزه بر ضد ستم و بی‌عدالتی، به خشونت‌ورزی آلوده شود؛ زیرا او نیز مانند گاندی برای خوشبختی همگان مبارزه می‌کرد و نیک می‌دانست که خشونت فقط و فقط خشونت می‌آفریند.

در ۲۰ سپتامبر ۱۹۵۸ زنی سیاه‌پوست (که مشکل روانی داشت) با کارد نامه‌بازکن به مارتین‌لوتر کینگ حمله کرد و آن را در سینه‌اش فروبرد. کینگ را به بیمارستان بردند تا کارد را از سینه‌اش خارج کنند؛ عمل بسیار حساس و خطرناکی بود، زیرا نوک تیز کارد با رگ آئورت او در تماس بود. پزشک گفته بود: «اگر تو در طول تمام آن ساعات انتظار عطسه کرده بودی، آئورتت سوراخ می‌شد و در خون خودت غرق می‌شدی!» عمل به‌خوبی انجام می‌شود و نامه‌های مهرآمیزی از آمریکا و سراسر دنیا به دست دکتر کینگ می‌رسد. اما نامه دختر نوجوانی، هرگز از یاد او نمی‌رود. دختر نوجوان برایش نوشته بود: «دکتر کینگ عزیز، من دانش‌آموز کلاس نهم از دبیرستان شهر وایت‌پلینز هستم. با اینکه نباید مسئله مهمی باشد، مایلم بگویم سفیدپوستم. در روزنامه در مورد اتفاق ناگواری که برایتان افتاد و زجری که کشیدید، خواندم و خواندم اگر عطسه می‌کردید، می‌مُردید. فقط دوست داشتم برایتان بنویسم: خیلی خوشحالم که عطسه نکردید!»

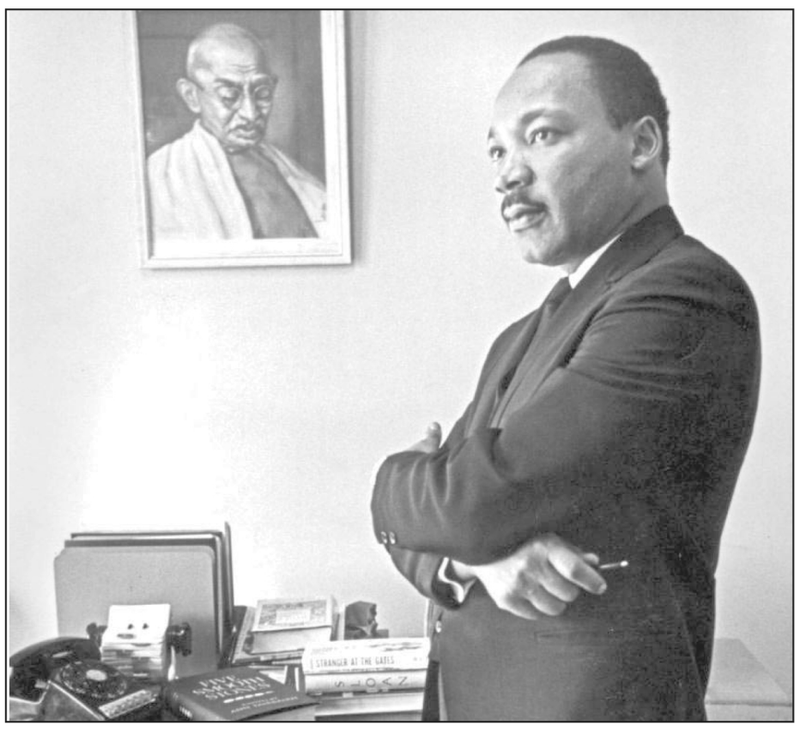

دکتر کینگ با وجود فشارها و آزارها همواره از خدا می‌خواست که دلش خالی از کینه باشد و قدرت روبروشدن با سختی‌ها را داشته باشد؛ از این رو کشمکش‌های بیرونی را با نیرو و آرامش درونی که خواستار آن بود، پشت سر می‌گذاشت. او هرگز اجازه نداد خشونت با خشونت پاسخ داده شود، زیرا آگاه بود با خشونت‌ورزی، رسیدن به جامعهٔ دوست‌داشتنی (beloved community) ممکن نیست. کینگ با الهام از روش گاندی در هند، می‌گفت: «نتیجهٔ عدم‌خشونت، ایجاد جامعهٔ دوست‌داشتنی است به گونه‌ای که وقتی نبرد پایان می‌یابد، رابطه جدیدی میان سرکوبگر و سرکوب‌شده ایجاد می‌شود... **راه تسلیم** منجر به خودکشی اخلاقی و معنوی می‌شود؛ **راه خشونت** منجر به نفرت در بازماندگان و بی‌رحمی در خشونت‌ورزان می‌شود؛ اما **راه عدم‌خشونت** منجر به رستگاری و ایجاد جامعه دوست‌داشتنی می‌شود.»

مارتین‌لوتر کینگ به انقلابی بر اساس «امید و عشق» و نه «امید و نفرت» چشم دوخته بود. او در سال ۱۹۶۴ هنگامی که جایزه صلح نوبل را دریافت کرد، در سخنرانی خود بر «عدم‌خشونت» تأکید کرد و گفت صلح جهانی با تکیه بر عدم‌خشونت، «نه مهمل است، نه دست‌نیافتنی»؛ زیرا وقتی تمام روشهای دیگر برای استقرار صلح جهانی شکست خورده، «عدم‌خشونت نقطه آغاز خوبی است» و در هیاهوی خشونت و نفرت، کسانی که به آن باور دارند، می‌توانند «صدای عقل، منطق و درک باشند.» سرانجام جنبش حقوق مدنی سیاه‌پوستان با رهبری او توانست به پیروزی برسد و تا حدودی به قوانین ظالمانه پایان دهد.

آخرین سخن

دکتر کینگ آخرین سخنرانی‌اش را ۳ آوریل ۱۹۶۸ در ممفیس انجام داد و فردای آن روز ترور شد. در آن سخنرانی گفت: «فکر می‌کنم یکی از عذاب‌های زندگی این است که دائما تلاش می‌کنیم کاری را تمام کنیم که تمام‌شدنی نیست... زندگی، داستانی ادامه‌دار از رؤیاهای بربادرفته است. گاندی سالیان سال برای استقلال مردمش تلاش کرد؛ اما مجبور شد با این حقیقت روبرو شود که ترورش کنند و با قلبی شکسته بمیرد، زیرا ملتی که او می‌خواست متحد باشند، نهایتا در نتیجهٔ درگیری میان هندوها و مسلمانان، بین هند و پاکستان تقسیم شد... انسان‌ها سالها در مورد جنگ و صلح صحبت کرده‌اند، اما اکنون دیگر نمی‌توانند فقط در موردش صحبت کنند. دیگر انتخاب بین خشونت و خشونت‌پرهیزی نیست، بلکه بین عدم‌خشونت و عدم است...

فکر می‌کنم همه ما گاه‌گاه به طور واقع‌بینانه درباره روزی که قربانی آخرین مخرج مشترک زندگی یعنی مرگ خواهیم شد، فکر کنیم. همه درباره آن فکر می‌کنیم. من هم هر از گاهی درباره مرگ خود و تشییع جنازه‌ام فکر می‌کنم، اما نه به نحوی بیمارگونه؛ از خود می‌پرسم: دوست دارم درباره من چه گفته شود؟ به شما می‌گویم: دوست دارم آن روز بگویید مارتین‌لوتر کینگ تلاش کرد زندگی‌اش را صرف خدمت به دیگران کند. دوست دارم آن روز کسی بگوید مارتین‌لوتر کینگ تلاش کرد عشق بورزد. دوست دارم آن روز بگویید تلاش کردم پاسخ صحیحی به مسئله جنگ بدهم. دوست دارم آن روز بتوانید بگویید تلاش کردم در زندگی‌ام به ملاقات زندانیان بروم. از شما می‌خواهم بگویید تلاش کردم به بشریت عشق بورزم و خدمت کنم. بله، اگر می‌خواهید بگویید یک رهبر بودم، بگویید رهبری برای عدالت بودم. بگویید رهبری برای صلح بودم. رهبری برای راستی بودم. چیزهای کوچک دیگر اهمیتی ندارند... اگر بتوانم در طول زندگی خود به کسی کمک کنم، اگر بتوانم کسی را با یک حرف یا آواز شاد کنم، اگر بتوانم به کسی نشان دهم که مسیرش اشتباه است، در آن صورت زندگی‌ام بیهوده نخواهد بود.»

*** «راه تسلیم» منجر به خودکشی اخلاقی و معنوی می‌شود؛ «راه خشونت» منجر به نفرت در بازماندگان و بی‌رحمی در خشونت‌ورزان می‌شود؛ اما «راه عدم‌خشونت» منجر به رستگاری و ایجاد جامعهٔ دوست‌داشتنی می‌شود. نتیجهٔ عدم‌خشونت، ایجاد جامعهٔ دوست‌داشتنی است**

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت توسعه سامانه‌های هوشمند بلوط (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۳۷۷۷۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۱۵۲۴۵۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت توسعه سامانه‌های هوشمند بلوط (سهامی خاص) جهت حضور در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ در محل قانونی شرکت به آدرس: تهران، محله زندان قصر، خیابان معلم، خیابان مرودشت، باغ موزه قصر، پلاک ۰، ورودی بند هنر، طبقه همکف، به کد پستی ۱۶۳۹۶۷۸۸۸۸ تشکیل می‌گردد، دعوت به عمل می‌آید.

دستور جلسه: - تعیین بازرسین

هیئت مدیره شرکت توسعه سامانه‌های هوشمند بلوط (سهامی خاص)

آگهی مناقصه

شرکت سایپا پلوس در نظر دارد مقدار ۶۰ لیتر مایع کوئنچ اکوا و ۲۰۰ لیتر روغن آب صابون دراموس را از طریق مناقصه شرکتهای معتبر خریداری نماید. لذا از واجدین شرایط درخواست می‌شود حداکثر تا مدت سه روز از تاریخ آگهی با شماره تلفن ۰۹۳۶۵۹۱۵۴۵۲ تماس حاصل نمایند.

گلپایگان ـ شرکت سایپا پلوس

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت خدمات بیمه ای ارگ جدید (سهامی خاص) (نوبت دوم)

با توجه به عدم حصول حد نصاب قانونی مجمع عمومی عادی به‌طورفوق العاده نوبت اول، مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۵، بدینوسیله ازکلیه سهامداران شرکت خدمات بیمه ای ارگ جدید دعوت به عمل می آید تا در جلسه نوبت دوم مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که در روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در محل اصلی شرکت به آدرس: تهران - خیابان مطهری بعد از چهارراه قائم مقام بین سرافراز و کوه نور - پلاک ۲۳۳- طبقه اول برگزار می گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه: تعیین اعضاء هیئت مدیره

هیئت مدیره شرکت خدمات بیمه‌ای ارگ جدید

آگهی مزایده حضوری

شرکت تعاونی تهیه و توزیع صنف درودگران و مبلسازان تهران ۴ دستگاه لیفتراک با مشخصات و شرایط زیر از طریق مزایده به فروش می‌رساند.

۱ـ یک دستگاه لیفتراک مستعمل چهار تن سهند با شماره سریال ۳۸۳۱۳۹۰۰۱۲۷

۲ـ یک دستگاه لیفتراک مستعمل چهار تن سهند با شماره سریال ۲۴۰۱۷۶۰۲۰۹

۳ـ یک دستگاه لیفتراک مستعمل چهار تن سهند با شماره سریال ۳۸۵۱۴۰۱۰۰۳۱

۴ـ یک دستگاه لیفتراک مستعمل چهار تن سهند

مهلت ارائه پیشنهاد و واریز سپرده به مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ ساعت ۱۲ ظهر می‌باشد. به پیشنهادهایی که فاقد سپرده می‌باشند هیچگونه ترتیب اثری داده نمی‌شود.

آگهی مزایده روز شنبه ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ ساعت ۹ صبح در دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان کارگر جنوبی نبش چهارراه آذربایجان شرقی ـ جنب بانک مسکن پلاک ۱۶۱ تلفن: ۶۶۴۰۷۱۰۲

مزایده برابر لیست کارشناسی که توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی گردیده است.

لذا به فرد یا افرادی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند فروخته می‌شود.

آگهی مناقصه عمومی
تجدید مناقصه شماره ۱۴۰۱/۱۶
مناقصه شماره ۱۹-۱۸-۱۷/۱۴۰۱

شرکت شیر پاستوریزه پگاه همدان در نظر دارد تامین خدمات و خرید اقلام مندرج در جدول ذیل را از طریق انجام مناقصه عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید:

شماره	نوع مناقصه	موضوع مناقصه	توضیحات
۱۴۰۱/۱۶	یک مرحله‌ای	تامین نیروی کار جهت قسمت های مختلف	به شرح برگ شرایط مناقصه
۱۴۰۱/۱۷	دومرحله‌ای	خرید دستگاه چرن کانتینیوس ۲ تن در ساعت	به شرح برگ شرایط مناقصه
۱۴۰۱/۱۸	دومرحله‌ای	خرید یونیت استریلایزر ۸۰۰۰ لیتر بر ساعت	به شرح برگ شرایط مناقصه
۱۴۰۱/۱۹	دومرحله‌ای	خرید یونیت کامل تانک استیک ۲۲۰۰۰ لیتر	به شرح برگ شرایط مناقصه

داوطلبان می توانند جهت دریافت برگ شرایط همه روزه به استثنای روزهای تعطیل به نشانی: همدان، کیلومتر ۵ بلوار شهید همدانی، شرکت شیر پگاه همدان مراجعه نمایند و پیشنهادات خود را در پاکت های لاک و مهر شده حداکثر تا مهلت مقرر در برگ شرایط به دبیرخانه این شرکت تسلیم و رسید دریافت نمایند. همچنین داوطلبان می توانند جهت اطلاع از شرایط مناقصه و همچنین دریافت فایل اسناد به سایت شرکت، به نشانی https://hamedan.pegah.ir مراجعه نمایند لازم به ذکر است ارسال اسناد از طریق پست، تی پاکس و .... مورد قبول می باشد.

تلفن تماس: ۳۲۵۶۹۱۷۸-۰۸۱

شرکت شیر پاستوریزه پگاه همدان

همیشه و همه جا محصولات آویسا

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت بهسود تجارت اعلم (سهامی خاص)

بدینوسیله از کلیه سهامداران و یا نمایندگان سهامداران شرکت بهسود تجارت اعلم (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۲۶۷۸۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۱۸۲۹۷ دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ روز سه‌شنبه در ساعت ۹ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ در ساعت ۹:

ـ تصمیم‌گیری درخصوص افزایش سرمایه و اصلاح ماده مربوطه در اساسنامه

هیأت مدیره شرکت بهسود تجارت اعلم (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت ساختمانی گسترش و نوسازی صنایع ایرانیان مانا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۳۴۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۵۸۹۱۴

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که راس ساعت ۱۴/۳۰ روز شنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ در آدرس: تهران، سعادت آباد، بلوار فرهنگ، ابتدای خیابان رشیدی (معارف)، پلاک ۸ برگزار می گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه: - استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس قانونی شرکت - بررسی و تصویب ترازنامه و سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۱/۹/۳۰ - انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل شرکت - انتخاب روزنامه کثیرالانتشار شرکت - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می باشد.

هیات مدیره

آگهی دعوت سهامداران شرکت صنایع غذایی سپاس مهر (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۲۸۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۱۵۳۲۹ جهت تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ در آدرس استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله گاندی، خیابان آفریقا، خیابان شهید برادران پالیزوانی (هفتم)، پلاک ۲۱، طبقه اول به کدپستی: ۱۵۱۷۶۵۵۹۱۳ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه: ۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس اصلی شرکت درخصوص عملکرد سال ۱۴۰۰ ۲ـ اتخاذ تصمیم راجع به صورت‌های مالی سال ۱۴۰۰ ۳ـ انتخاب بازرس اصلی، حسابرس و بازرس علی‌البدل برای یک دوره یکساله مالی ۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها و اطلاعیه‌های شرکت

هیات مدیره شرکت

آگهی مناقصه عمومی

شرکت فرآوری مواد پروتئینی استان کردستان (کشتارگاه صنعتی دام) در نظر دارد انجام امور بیمه‌ای شامل تکمیلی درمان، مسئولیت مدنی، حوادث گروهی، شخص ثالث، صاعقه و آتش‌سوزی، ساختمان و ماشین آلات و سایر آیتم‌های موجود در اسناد مناقصه را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی و صرفاً شرکت‌های بیمه‌ای (شعبه مرکزی شهرستان سنندج) واجد صلاحیت دعوت می گردد با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی و رعایت شرایط و موارد ذیل به نشانی: کیلومتر ۱۵ جاده سنندج ـ کامیاران فرعی روستای گزنه مراجعه نموده و اسناد مناقصه را دریافت نمایند.

۱ـ تاریخ و محل دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۶ لغایت ۱۴۰۱/۱۲/۰۸ به آدرس فوق‌الذکر مراجعه نمایند.

۲ـ مهلت تحویل اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۹ لغایت ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

۳ـ برگزاری مناقصه: شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ در ساختمان اداری آدرس فوق‌الذکر

آگهی مزایده عمومی ۲-۴۰۱
مزایده آجر نسوز ضایعاتی و روغن مستعمل

شرکت صنایع سیمان غرب در نظر دارد حدود ۴۰۰ تن انواع آجر نسوز ضایعاتی و ۵۰ بشکه روغن مستعمل خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش رساند. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت می شود جهت دریافت مدارک و اسناد مزایده به محل کارخانه واقع درکرمانشاه، کیلومتر ۱۵ جاده همدان مراجعه و پیشنهاد قیمت خود را به همراه سپرده تعیین شده در متن شرایط مزایده حداکثر تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۱ به نشانی فوق-ساختمان مدیریت(واحد حراست) تحویل نمایند. در ضمن، اسناد و مدارک مزایده از طریق سایت شرکت به نشانی www: gharbcement.com نیز قابل دریافت می باشد. این شرکت در قبول یا رد هر یک از پیشنهادهای واصله مختار خواهد بود. در ضمن، هزینه چاپ آگهی در روزنامه به عهده برنده مزایده می باشد.

**امور